



## بعد از سه سال کش وقوس و آزار واذیت، بلاخره امسال در آستانه اول ماه مه محمود صالحی دستگیر وروانه زندان شد.

محمود صالحی یکی از چهره های مبارز و پیشرو جنبش کارگری است که اغلب با نام و فعالیت مبارزاتی او آشنا هستند. محمود صالحی به همراه چند تن دیگر از همکاران اشجلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر، در سال ۱۳۸۳ به جرم فراخوان برگزاری مستقل مراسم اول ماه مه در سقز بازداشت و به پای میز محاکمه کشیده شدند. محمود صالحی از سال ۸۳ تاکنون بارها به بازجویی فراخوانده شده و خود و خانواده اش تحت فشار و آزار واذیت ماموران حکومتی قرار گرفتند. با وجود این از مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و دفاع از مبارزات آزادیخواهانه فروگذار نکرد.

رژیم با دستگیری و زندانی کردن محمود صالحی در آستانه اول ماه مه که با تعرض به دانشجویان، معلمان و عناصر پیشرو و مترقی جامعه توأم شده است، تلاش میکند تا با ایجاد جو رعب و وحشت از برگزاری مستقل اول ماه مه امسال با شعارها و خواست های رادیکال جلوگیری کند تا فرصت مانور فرصت طلبان و عوامل خود در میان کارگران را افزایش دهد و با برپائی نمایشات فرمایشی مبارزات کارگران را از مسیر واقعی و انقلابی خود منحرف سازد.

غافل از اینکه کارگران پیشرو با تشدید فعالیت های آگاهگرانه و سازمانگرانه خود برای برگزاری مستقل مراسم های اول ماه مه بویژه در شهر های کردستان و شهر سقز نه تنها جای خالی محمود صالحی را پر خواهند کرد بلکه با طرح آزادی زندانیان سیاسی و بویژه کارگر مبارز محمود صالحی، توده های کارگر و مردم زحمتکش را با اعمال جنایتکارانه و ضد کارگری رژیم آشنا تر کرده و حقانیت مبارزات خود را به ثبوت خواهند رساند.

ادامه در صفحه ۲

## در پی قرار دهم فروردین، امروز ۲۶ فروردین معلمان شهرهای مختلف کشور از حاضر شدن در کلاسهای درس خودداری کردند

اخیرا تجمعات و تظاهرات اعتراضی معلمان که عمدتا به فراخوان «کانون صنفی معلمان» سازمان داده میشوند نسبت به حرکت های قبلی معلمان از ابعاد گسترده تری برخوردار شده است. علت آن هم کاملا روشن است. فشار اقتصادی ناشی از گرانی، سطح پائین حقوق نسبت به افزایش مداوم سطح تورم و... معلمان را بعنوان قشری نسبتا وسیع و پر شمار که سر و کارشان با آموزش و پرورش نسل های آینده کشور است، در تنگنا قرار داده و به مبارزه برای تحقق خواست هایشان سوق میدهد و هنگامی که بموازات افزایش مدام هزینه زندگی مطالبات شان و خواست های شان بی پاسخ میمانند به ناگزیر به مبارزه شان شدت میدهند و به تدریج ا فشار بیشتری از همکاران خود را به دایره اعتراضات جلب و جذب مینمایند.

اما مبارزات معلمان نیز مثل هر قشر اجتماعی دیگر هنگامی به پیروزی میرسد (و نه صرفا عده معدودی و یا قشری از معلمان بلکه همه معلمان از ثمره این پیروزی بهره میبرند) که توانسته باشند خود را به لحاظ برنامه مبارزاتی و اصول تشکیلاتی مستقلا سازمان بدهند و با جنبش های اجتماعی دیگر نه از راه تظلم خواهی و کسب ترحم آنها، بلکه از طریق دفاع از منافع و خواست ها و مطالبات آنها ارتباطی استراتژیک برقرار کرده و باندازه کافی خود را قوی کرده باشند. و علاوه بر همه اینها، از رهبرانی کارآزموده، رادیکال، غیر وابسته به مافیای قدرت و ثروت، مورد وثوق معلمان و قابل عزل برخوردار باشند.

## نامه سرگشاده دانشجویان دانشگاه بابل به مردم آزادیخواه جهان!

از انسانیت ما دفاع کنید!

ما این نامه را خطاب به شما سازمان های مدافع حقوق بشر به سندیکاها و سازمان های کارگری به پارلمانها و نهادهای دانشجویی به سازمان های زنان و به بشریت ازاده و متمدن مینویسیم!  
در چند روز اخیر اعتراضات برحق ما برای حقوق مان با موج دستگیری همکلاسیهای ما و دانشجویان مواجه شده است. بیش از بیست دانشجو توسط نیروهای امنیتی دستگیر و زندانی شدند. و این تنها شامل حال ما نشده است. فعالین کارگری در این یکماه مرتب دستگیر شدند. آخرین مورد آقای محمود صالحی در سقز است که فقط از حقوق برسمیت شناخته شده کارگری در سطح جهان دفاع کرده است.

ادامه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته ایالتی تهران  
۱۱ اردیبهشت را گرامی میداریم در صفحه ۵

گزارشات مراسم اول ماه مه در صفحه ۶

انتخابات آزاد آقای رفسنجانی در صفحه ۴

جنایت شرم آور در کردستان عراق در صفحه ۶

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

## نامه سرگشاده دانشجویان دانشگاه بابلسر به مردم آزادیخواه جهان!

تعدادی از فعالین جنبش زنان هنوز در زندان هستند و دستگیری و احضار فعالین حقوق زنان ادامه دارد. زنان و کودکان زیادی در انتظار حکم اعدام هستند. در کنار اینها فقر و محرومیت و گرانی ناشی از تحریم اقتصادی گلوی مردم را میفشارد و زندگی را برایشان سخت تر از پیش کرده است. کابوس جنگ مردم را در بلاتکلیفی و ترس نگاهداشته و دست دولت را در اعمال محدودیت مردم بازتر کرده است. فقر و بیکاری و ناامنی اقتصادی بیداد میکند. مبارزه ما اما ادامه دارد.

حرف ما همان است که دانشجویان دانشگاههای ایران در ۱۶ آذر روز دانشجو زدند! زنان و مردان در اجتماعات و قطعنامه های هشت مارس زدند! کارگران در تظاهراتها و اعتصابهایشان زدند! ما انسانیم! هویتمان جهانی و انسانی است! ما با کسی سر جنگ و خصومت نداریم! ما برای همگان خوشبختی و سلامتی و آموزش و رفاه میخواهیم! ما میخواهیم تبعیض جنسی

خاتمه پیدا کند و برابری زن و مرد متحقق شود! ما حق داریم حرف بزنیم اعتراض کنیم نقد کنیم اجتماع کنیم! مگر دنیا به مدنیت و حقوق انسانی نرسیده است؟ ما میخواهیم مثل انسان زندگی کنیم و از هموعانمان در سراسر جهان انتظار حمایت و همبستگی داریم! متأسفانه دنیای امروز دنیای مرزها و دولتها و هویتهای محلی و کشوری است اما یادمان باشد که همه ما انسانیم و هویت جهانی و بشری داریم! حق داریم که زندگی کنیم و حرمت انسانی داشته باشیم! ما دستمان را بسوی قلبهای شما دراز میکنیم! از ما حمایت کنید!

**\* خواهان آزادی فوری همکلاسیهای مادر دانشگاه بابلسر و آزادی همه دانشجویان دستگیر شده شوید!**

**\* خواهان پرداخت حقوق معوقه کارگران و برسمیت شناسی حق تشکل و اعتراض و اعتصاب و قرارداد دسته جمعی آنها شوید!**

**\* خواهان آزادی فعالین حقوق زن و برسمیت شناسی آزادی پوشش و حقوق برابر زنان و مردان شوید!**

**\* خواهان حق زندگی ایمن حقوق سیاسی و اجتماعی حرمت و رفاه ما شوید!**

**\* خواهان پایان دادن به تحریم اقتصادی نفی جنگ**

## و تروریسم و حمایت از مردم در ایران شوید!

### مردم آزاده جهان!

ما دنیائی عاری از جنگ و نفرت و بمب و فقر و اختناق و بیحرمتی انسانها را آرزو داریم! ما به همبستگی انسانی ارج میگذاریم! همبستگی انسانی مرز نمیشناسد!

مردم آزادیخواه و برابری طلب، فعالین اجتماعی و سازمان های مدافع حقوق بشر در سراسر دنیا، با امضا این نامه از ما حمایت کنید و آن را برای آدرس های زیر ارسال کنید:

سازمان بین المللی کارگران : [ilo@ilo.org](mailto:ilo@ilo.org)  
فکس و ای میل امنستی در انگلستان : +۴۴ ۲۰ ۳۳ ۷۰۳۳ ۱۵۰۳  
[sct@amnesty.org.uk](mailto:sct@amnesty.org.uk) ،  
رئیس جمهوری ایران دکتر احمدی نژاد - [ahmdinejad@president.ir](mailto:ahmdinejad@president.ir)

دانشجویان دانشگاه بابلسر - ایران

۲۸ فروردین ۸۶

<http://babolsaruniv.blogfa.com>

[babolsaruniv@gmail.com](mailto:babolsaruniv@gmail.com)

امضای حمایتی خود را به آدرس ای میل وبلاگ ما هم بفرستید

امروز دوشنبه ۸۶/۱/۲۷ ما جمعی از کارگران خباز شهرستان سقز برای دفاع از رهبر فداکار و دلسوز خود محمود صالحی اقدام به تجمعی آرام در محل کار ایشان، جلو شرکت تعاونی خبازان سقز نمودیم. اما بلافاصله توسط نیروهای لباس شخصی و امنیتی محاصره و مورد هجوم قرار گرفتیم، که در این راستا لازم به ذکر است که دو تن از فعالان کارگری به نامهای جلال حسینی و محمد عبدی پور را قبل از برگزاری مراسم به دادستانی سقز احضار کرده بودند تا از شرکت آنان در این تجمع جلوگیری شود که محمد عبدی پور تا خاتمه تجمع در دادستانی نگه داشته شد. و همچنین توسط شخص دادستان به جلال حسینی ابلاغ شده بود که تحت هیچ شرایطی حق شرکت در این تجمع را ندارد. در پی این یورش وحشیانه که با استفاده از چندین نوع گاز و همچنین با استفاده از باتوم، تعداد زیادی از کارگران زخمی شدند و همچنین دهها نفر دستگیر شده‌اند. ما ضمن محکوم کردن این عمل غیر انسانی توسط نیروهای امنیتی تمام کارگران، ازادیخواهان و تشکلهای کارگری و حقوق بشر را برای دفاع از خود فرامی خوانیم.

جمعی از کارگران خباز شهر سقز

۲۷/۱/۱۳۸۶

در حمایت از محمود صالحی و خواست آزادی وی فراخوان داده شده است که میباید با حمایت و شرکت گسترده در این آکسونهها فشار برای عقب نشینی رژیم و آزادی فوری محمود صالحی را افزایش داد.

کارگران مبارز خبازیهای سقز دستگیری محمود صالحی را محکوم کردند  
کارگران مبارز خبازیهای سقز دستگیری محمود صالحی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری وی شدند.

با توجه به اینکه تنها اتحاد و حمایت و پشتیبانی کارگران است که میتواند تعرض دولت و سرمایه داران را به عقب نشینی وادارد این اقدام کارگران سقز را باید ستود و سایر کارگران را هم تشویق نمود تا خود دست به کار حمایت از پیشروان و رهبران عملی خوسش درعرصه جدال کار و سرمایه باشند . همینطور کارگران پیشروی که مورد یورش دولت و سرمایه داران قرار میگیرند قبل از هر شخص و ارگانی میباید رفقای کارگر خود را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهند تا در مقابل اقدامات ضد کارگری دولت دست به اعتراض متقابل بزنند . اطلاعیه این کارگران را در زیر ملاحظه میکنید.

اطلاعیه

## بعد از سه سال کش و قوس و آزار واذیت، بالاخره امسال در آستانه اول ماه مه محمود صالحی دستگیر و روانه زندان شد.

توأم شده است ، تلاش میکند تا با ایجاد جو رعب و وحشت از برگزاری مستقل اول ماه مه امسال با شعارها و خواست های رادیکال جلوگیری کند تا فرصت مانور فرصت طلبان و عوامل خود در میان کارگران را افزایش دهد و با برپائی نمایشات فرمایشی مبارزات کارگران را از مسیر واقعی و انقلابی خود منحرف سازد .

غافل از اینکه کارگران پیشرو باتشدید فعالیت های آگاهگرانه و سازمانگرانه خود برای برگزاری مستقل مراسم های اول ماه مه بویژه در شهر های کردستان و شهر سقز نه تنها جای خالی محمود صالحی را پر خواهند کرد بلکه با طرح آزادی زندانیان سیاسی و بویژه کارگر مبارز محمود صالحی، توده های کارگر و مردم زحمتکش را با اعمال جنایتکارانه و ضد کارگری رژیم آشنا تر کرده و حقانیت مبارزات خود را به ثبوت خواهند رساند.  
علاوه بر آن در داخل و خارج کشور اقداماتی

## تظاهرات اول ماه مه امسال بسیار خوب و تعرضی بود.

خانه کارگر امسال سعی کرد برای کنترل بیشتر شرکت کنندگان حتی الامکان خبر اینکه مراسم در کجا برگزار می شود را مخفی نگهدارد. تا ساعت ۶ صبح امروز که آماده رفتن شده بودم همه فکر می کردند که مراسم در مقابل خانه کارگر برگزار می شود. شب قبل هم خبر آمده بود که جلوی وزارت کار و بعدش گفتند خانه کارگر. صبح زود از طریق دوستی خبردار شدم که مراسم در ورزشگاه شیروزی (امجدیه سابق) در نزدیکی میدان ۷ تیر است. همه خبر را به سرعت بهم رساندند. رفتم بطرف امجدیه. بخاطر همین بی اطلاعی موقعی که رسیدم ساعت نه و نیم شده بود و مراسم درون ورزشگاه تمام شده بود. اما هنوز کارگران کارخانجات مختلف با پرچمها و شعارهایشان عازم ورزشگاه بودند در حالیکه جمعیت داشت از ورزشگاه خارج می شد. همانجا با چند کارگر پیر و جوان از کارخانه مینو صحبت کردم. آنها بروی پرچمشان نوشته بودند "بازسازی کارخانه مینو حق مسلم ماست". آنها گفتند که رئیس کارخانه آنجا را بسته سرمایه ها را برده در گرجستان سرمایه گذاری کرده و یک شبه ۱۵۰ تایی آنها بیکار شده اند. پوستری نیز در آنجا دیده میشد با این شعار: "آمریکا حیا کن، عراق را رها کن". با برخی کارگران زن که از ورزشگاه بیرون آمدند و خیلی هاشون هم با چادر بودند صحبت کردم. از آنها پرسیدم اون تو چه خبر بود؟ گفتند: هیچی. مثل هر سال یک همایشی که جز وعده هیچی نمی دهند. گفتم من نرسیدم پیام تو. گفتند: خوش بحالت چیزی از دست ندادی. از یک کارگر پیر که پلاکاردی در دستش بود با این شعار: رزمنده دیروزیم، بیچاره امروزیم سوال کردم که شما می دانستید مراسم در اینجا است؟ گفت نه. هر سال در کارخانه بیانیه می دادند که کجا باید بریم. اما امسال تا صبح که به اینجا رسیدیم نمی دانستیم داریم کجا می رویم. خیابان پر بود از اتوبوس هایی که از مناطق کارگری آمده بودند با پرچمهای کارخانه شان. اسلامشهر. مناطق مختلف کرج، قزوین، یزد، کاشان و ... تعداد بسیار زیادی کارگران زن حضور داشتند. در پیاده روها و خیابان جمعیت موج می زد. نیروی های انتظامی و گردانهای ویژه سرکوب که سرباز بودند با باتوم و سپر حضور داشتند. اطلاعاتی و شخصی پوش پر بود. بساط فیلم برداری با دوربین های پیشرفته و موبایل بسیار براه بود.

موقعی که به تظاهرات حمله نمی شد برای فیلمبرداری به کسی حمله نمی کردند. اما موقع حمله ها سعی می کردند نگذارند کسی عکس بگیرد و اگر زورشان می رسید دوربین ها را می گرفتند. جمعیت خشمگین شروع به راهپیمایی بطرف میدان ۷ تیر کرد. اولین حمله نیروهای سرکوب به کارگرانی بود که مشغول مصاحبه با خبرنگاری های خارجی بودند. آنها این مصاحبه را بهم زدند. کارگر نسبتا مسنی که کنار من بود با عصبانیت گفت: نمی خوان بذارن کسی صدای ما را بشنود.

نیروهای رژیم می خواستند هرطور شده جمعیت را متفرق کرده و مانع رسیدن آنها به میدان شوند. در اینجا ابتکار عمل دست بچه های چپ بود. آنها که حلقه نسبتا بزرگی را میان جمعیت تشکیل میدادند پیگیرانه شعار می دادند و تعداد زیادی از کارگران عادی که توسط خانه کارگر سازماندهی شده بودند با بچه ها همراهی کرده و علیرغم میل خانه کارگری ها راهپیمایی می کردند. سیاست رژیم این بود که میان آنها جدایی بیندازد. به همین خاطر مرتبا اتوبوس هایی که این کارگران را از راههای دور آورده بود کارگران مناطق مختلف را صدا می زد و اتوبوس ها حرکت می کردند. نیروهای سرکوب حمله اولشان را با موتور سیکلت به صف تظاهرات آغاز کردند. اما موفق به درهم شکستن تظاهرات نشدند. زن کارگر مسنی که حجاب داشت با افسران نیروی انتظامی شروع به دعوا و فحش دادن کرد. او می گفت: "امروز روز کارگر است و راهپیمایی حق مسلم ماست". نیروهای رژیم آشکارا دستپاچه بودند. برای آنها سرکوب این نیروی بزرگ و خشمگین کار دشواری بود. بعد رژیم تاکتیکش را تغییر داد. هدفشان متفرق کردن بود. یک حمله ضربتی با نیروهای ویژه کردند و صف تظاهر کنندگان را دو قسمت کردند. یک قسمت را راهی پیاده رو کردند و سریع اتوبوس ها را کشیدند وسط خیابان و بهم چسباندند و حایل بین دو بخش جمعیت قرار دادند. با باتوم به جان مردم افتادند. مردم هم فرار می کردند و هم توی سر آنها می زدند و سعی می کردند آنها را به عقب برانند. در مجموع روحیه تعرضی و نترسی وجود داشت. هر بار که نیروهای رژیم حمله می کردند فریادهای "مرگ بر حامی سرمایه دار" واقعا لرزه می انداخت.

بچه های دانشجوی فعال بودند. آنها اعلامیه و تراکشان را روی هوا پخش کردند. تعدادی از پوسترهای دانشجویی را نیز آورده بودند که در وسط صف تظاهرات روی دست گرفته بودند. در مراسم توی سالن بعد از سخنرانی

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶

## انتخابات آزاد آقای رفسنجانی

به گفته ایلنا هاشمی رفسنجانی در دیدار با دبیران احزاب عضو جنبش اعتدال گران در ۳۱ فروردین ۸۶ گفته است: "...نقش مردم در اداره حکومت روز به روز پررنگتر می شود و باید با درک این موضوع جامعه را به سمت توسعه همه جانبه هدایت کنیم.

مهمترین راه رسیدن به نظر مردم در اداره حکومت، انتخابات است و شکل گیری فضایی که مردم بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند، بدون حضور احزاب قوی و موثر امکان پذیر نیست.

البته آقای رفسنجانی صحبتی از حق حاکمیت مردم که توسط جمهوری اسلامی و حکومت ولی فقیه از آنان سلب شده است نمی کند ولی چه اتفاقی افتاده که فردی مانند او با آن سابقه تیره در کشتار و سرکوب مخالفین، امروز به فکر نقش مردم در اداره حکومت و شرکت آنان در انتخابات افتاده است؟

به این سوال وقتی میتوانیم بهتر پاسخ دهیم که بیاد آوریم سران و اغلب طرفداران جمهوری اسلامی و حکومت ولی فقیه، حتی اکثریت بخش اصلاح طلب آن، از "آزادی" و "آزادی احزاب" فقط آزادی گروه و حزب های "خودی" را درک می کنند. برای مثال آقای هادی قابل رئیس جبهه مشارکت منطقه قم به خبرنگار آفتاب در ۳۱ اردیبهشت ۸۵ گفته است: "ما بارها در انتخابات مختلف اشاره کرده ایم تمامی گروهها و احزاب و شخصیت های فعال سیاسی که فعالیت خود را در چارچوب نظام و قانون اساسی تعریف کرده اند و در عین حال ممکن است به حاکمیت منتقد باشند، باید دارای برخورداری از حق مشارکت در انتخابات و کاندیدا شدن و یا معرفی کاندیدا باشند." به عبارت

مردم از آن نیز به عنوان وسیله ای برای پایان دادن به دیکتاتوری استفاده کنند، یک انتخابات آزاد نیست.

نظام جمهوری اسلامی بر اساس دخالت دین در حکومت استوار است و نتایج فاجعه بار این دخالت در همه امور مشاهده میشود. سران این نظام و حتی اصلاح طلبان آن نتوانسته اند تا کنون قدمی اساسی در راه حل مشکلات کشور بردارند و زندگی بر مردم هر روز سخت تر شده است. نظام دیکتاتوری بخوبی میداند که مشروعیتی ندارد و اکثریت مردم با آن مخالفند. به این جهت تحمل آرا آزاد مردم را نداشته و مبارزات معلمان، زنان، کارگران و دانشجویان، روزنامه نگاران و غیره برای احقاق حقوق خود و استقرار آزادی ها به شدت سرکوب میکند. آنهایی که در این شرایط بدون طرح خواست آزادی زندانیان سیاسی و احقاق حقوق این گروه های اجتماعی صحبت از آزادی انتخابات می کنند، در پی راهی برای دست یافتن به آزادی و حل مشکلات مردم نیستند بلکه میخواهند مشکلات شخص یا گروه خود را حل کنند.

منیژه رهنما

اول اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با ۲۱ آوریل ۲۰۰۷

manije.rahnama@gmail.com

دیگر این عده حق مشارکت در انتخابات و کاندیدا شدن برای مخالفین جمهوری اسلامی یعنی آنهایی که طرفدار جدائی دین از حکومتند قائل نیستند.

احزاب و گروه های طرفدار نظام که در کشور امکان فعالیت دارند انچنان غرق تفکرات خودی و غیر خودی هستند که مخالفین به کنار، حتی از حق سایر گروه های درون رژیم نیز دفاعی نمی کنند. برای مثال وقتی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، آقای موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی متوجه شد که در دور اول انتخابات به نحو تعیین کننده ای علیه آقای کروبی تقلب شده است، چون معلوم شده بود که کاندیدای جبهه مشارکت آقای مصطفی معین رای کافی نیاورده است، با ابراز اینکه انتخابات اشکالاتی هم داشته، داستان را پایان داد و اقدام دیگری حد اقل برای افشا تقلب در انتخابات نیز نکرد. خود آقای خاتمی هم از اظهاراتی که رژیم را بنحو موثری زیر سوال برد خودداری کرد و با گفتن اینکه در آینده اعلام میدارد چه تخلفاتی انجام شده است پرونده را بست. او هنوز هم روشن نکرده است که چه تخلفاتی صورت گرفته بود.

پیش شرط انتخابات آزاد، امکان فعالیت آزاد و علنی همه گروه های سیاسی و اجتماعی، صنفی، سندیکائی و احزاب است، کشور زندانی سیاسی نداشته باشد، مطبوعات آزاد باشند و مردم بتوانند بی بیم و هراس و بدور از هرگونه فشار، محدودیت و تبعیض، ابراز عقیده و فعالیت کنند، فرصت و دسترسی برابر تبلیغاتی برای همگان وجود داشته باشد و هر کس بتواند از هر حزب، سندیکا یا سازمانی که صلاح بداند پشتیبانی کند.

انتخابات آزاد به معنای آنست که مردم بتوانند با رای خود رژیم دلخواه خود را انتخاب کنند. انتخاباتی که بخواهد تنها نقش مردم را در "حکومت پر رنگ تر" کند، هرچند ممکن است در شرایطی

## اعلامیه کمیته ایالتی تهران ۱۱ اردیبهشت را گرامی می‌داریم

۱۱ اردیبهشت روز کارگر سمبل اتحاد و همبستگی کارگران در برابر سرمایه داران و رژیم های حامی آنها ، روز تجلی خشم و کین طبقه کارگر بر علیه استثمار و بندگی و ستم طبقاتی ، روز فریاد بر علیه بیکاری و فقر اعتیاد..... است.

امسال در شرایطی به استقبال روز پر شکوه کارگر می رویم که با افزایش رکود اقتصادی و موج گسترده تعطیلی کارخانجات و بیکاری کارگران روبرو هستیم ، کارگرانی که ماههاست حقوق دریافت نکرده اند ، ماهها خود و خانواده هایشان با فقر و گرسنگی دست به گریبانند . در شرایطی به استقبال ۱۱ اردیبهشت میرویم که گسترش حرکت‌های اعتراضی کارگران نوید بخش آینده ای روشن است که تضمین تحقق آن اتحاد و همبستگی کارگران و پایداری سرسختانه برای تحقق مطالبات بر حق خود است ، بی شک عامل اصلی فقر و فساد و اعتیادی که در جامعه بیداد میکند نظام سرمایه داری و رژیم حامی آن جمهوری اسلامی است که در طی این ۲۸ سال از هیچ اقدامی برای یاری رساندن به سرمایه داران در استثمار و به بردگی کشاندن هرچه بیشتر کارگران کوتاهی نکرده و نمیکند از هیچ اقدامی برای ساکت کردن ، سرکوب و خفه کردن اعتراضات کارگران ابایی ندارد و نه تنها به هیچ کدام از خواسته های کارگران تن نداده بلکه ارتجاعی ترین شرایط کار به مانند کار قراردادی ، خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار..... را هم به اجرا گذارده تا هرچه بیشتر و بهتر سودهای سرشار به جیب سرمایه داران سرازیر کند.

## کارگران و زحمتکشان:

امید داشتن به تحقق خواسته های بر حقتان توسط جمهوری اسلامی بیهوده و بی نتیجه است همانطور که در طی این ۲۸ سال به اثبات رسیده که رژیم حاکم در پاسخ به مطالبات کارگران جز سرکوب و زندان اقدامی نکرده . کارگران و سرمایه داران در پیکار طبقاتی هرکدام در یک صف روبروی هم قرار دارند ، دو اردوی کار و سرمایه که در یک سو عده قلیلی با فریب و نیرنگ و جنگ و کشتار ابزار تولید کارخانجات و معادن ، مزارع را در تملک خود در آورده اند و در سوی دیگر خیل کثیر انسانهای زحمت کش کا با عرضه نیرو و توان و عمر و زندگی خود تولید کننده ثروت های مادی و اجتماعی هستند و با دریافت دستمزد ناچیز در حد زنده ماندن روزگار می گذرانند ، وضعیتی که در سراسر جهان یکسان است و دولت های حاکم علیرقم هرگونه شعار و ژستی که میگیرند در عمل در یکی از این دو اردو قرار دارند یا مدافع منافع سرمایه داران و یا نماینده طبقه کارگر و حامی حقوق زحمتکشان و جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست و در عمل نشان داده از چه ماهیت طبقاتی برخوردار است.

هشیار باشیم ، جمهوری اسلامی در بحرانی ترین شرایط خود قرار دارد با وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی طی ماههای آینده و اوج گیری حرکت های اعتراضی کارگران ، معلمان ، دانشجویان.... حیات خویش را بیش از پیش در خطر می بینند و برای تداوم حاکمیت خویش با سپردن اریکه قدرت به سپاهیان و برپایی دولت نظامی - پلیسی در تدارک یورش همه جانبه و گسترده به صف انقلاب است ، یورشهایی که نوک حمله آن متوجه کارگران و زحمتکشان است . تنها راه مقابله با اقدامات سرکوب گرانه رژیم حضور در حرکت های اعتراضی کارگری و منسجم کردن صفوف خود و حمایت از خیزش

## کارگران و زحمتکشان متحد شوید

آزادی و برابری ، رهایی از فقر و فساد و اعتیاد ، بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق انسانی ، کار ، مسکن ، آزادی تنها با اتحادی قدرتمند و پایدار و قیامی گسترده و فراگیر علیه رژیم حامی سرمایه داران متحقق خواهد شد. برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جمهوری فدراتیو شورایی به پا خیزیم.

## هرچه مستحکمتر باد اتحاد و همبستگی کارگران بر علیه سرمایه داران

## مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

## زنده باد جمهوری فدراتیو شورایی

## سازمان اتحاد فداییان کمونیست

## کمیته ایالتی تهران

۸/۲/۸۶

## جنایت شرم آور در کردستان عراق

فیلم کوتاه زیر از سنگسار دختری جوان در منطقه « بشیقه » در شمال عراق گرفته شده است ، اگر تحمل کردید نگاه نکنید . دختری به خاطر عاشق شدن به پسری که از تبار و یا مذهب دیگری است توسط خانواده و اقوام وی به چنین طرز وحشتناک و فجیعانه ای به قتل محکوم میشود ، وجلوی چشم انبوه انسانهای مسخ شده سنگ باران میگردد. وتاسف آور اینکه در این آغاز قرن بیست و یکم انسانهای دیگری جمع شده اند و به این صحنه با بی تفاوتی و چه بسا جانبدارانه نگاه میکنند و شاید هم با زدن سنگی دیگر بر پیکر این دختر جوانی که در حال جان دادن زیر سم ستوران ارتجاع است اندکی به ریشه تنومند سنت ارتجاعی نهفته در وجودش آب دهد، و نشان دهد که از غیرت و ناموس پرستی از دیگران عقب تر نیست . به راستی با این اندازه از عقب ماندگی و سنت های ریشه دار مذهبی و ارتجاعی چه میتوان کرد. جز اینکه با چنین پدیده های ضد انسانی با تمام توان بی وقفه و در تمامی عرصه های سیاسی ، فرهنگی به مبارزه برخوایست . نظیر چنین جنایات وحشیانه ای در ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی که از جمله قوانین ضدبشی این رژیم هست بارها اتفاق افتاده است اما ارتکاب چنین جنایتی در کردستان عراق که حتما وجود داشته است، علنی نشده بود .

وظیفه همه احزاب و سازمانهای انقلابی و مجامع آزادیخواه و مدافع حقوق زنان است که صدا اعتراض خود را بر علیه این جنایت بلند کرده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین آن گردند .

در این میان مسئولیت سازمانهای انقلابی کردستان پیش از همه است که نسبت به این جنایت اعتراض کرده و واز هیچ اقدامی برای دستگیری و مجازات عاملیت این جنایات کوتاهی نکنند .

احزاب و سازمانها ، زنان و مردان آزادیخواه و انقلابی میباید با پخش گسترده این خبر که توسط خبرگزاری پیک اران منتشر شده است . یک کمپین گسترده و جهانی را علیه وقوع این جنایت براه بیندازند.

## برکناری مدیران ارشد ایران خودرو همچنان ادامه دارد

سرانجام دانشیان نیز رفت

طی هفته گذشته چند تن از مدیران ارشد ایران خودرو از کار بر کنار شدند اولین خبر بر کناری اصغر دانشیان معاونت منابع نیروی انسانی شرکت ایران خودرو نفر اول منطقی در اداره و کنترل اعتصابات کارگری و عامل سرکوب و اخراج دههانفر از کارگران این شرکت در طول چهارسال مدیریت خود در ایران خودرو بود اصغر دانشیان که خود سال گذشته حکم برکناری دهها مدیر و کارگران را امضاء کرده سرانجام هفته گذشته از معاونت منابع انسانی کنار گذاشته شد و به قول خودش سنگر را برای نیروهای جدید باز کرد و خودش به مدیر عاملی شرکت تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو بر گزیده شد.

نفر بعدی که هفته گذشته از کار بر کنار شد محمد حسین ضیائی معاونت خودرو سواری بود که برکناری ایشان مثل یک بمب خبری در محافل شرکت ایران خودرو پیچید کارگران هنوز از شوک برکناری دانشیان در نیامده بودند که خبر بر کناری ضیائی مرد شماره یک تولید که نقش او کمتر از دانشیان در اداره و کنترل کارگری از دانشیان نبود و کسی فکر بر کناری او را انتظار نداشت با خبر بر کنار ایشان مواجهه شدند

پروژه حذف مدیران ایران خودرو از زمانی آغاز شد که عارف نوروزی به قایم مقامی ایران خودرو انتخاب شد و از روز آمدن ایشان به شرکت ایران خودرو دهها تن از مدیران این شرکت از کار بر کنار و یا اخراج و یا به خارج از شرکت منتقل شده اند.و از زمان آمدن نوروزی دهها نفر از کارشناسان ایران خودرو به خاطر به خطر افتادن امنیت شغلی خود شرکت را ترک کرده به شرکتهای اقماری و یا خارج پناه برده اند

اسامی دهها تن از مدیران این شرکت که طی سال گذشته از کار بر کنار شده اند.

اولین مدیری که از ایران خودرو کنار گذاشته شد مدیر حراست شرکت ایران خودرو پناهانده بود ایشان از کار بر کنار و فرج الهی که مدیر حراست سازمان صنایع بود جای او را گرفت و لی بلا فاصله ایشان نیز از کار بر کنار و شخص دیگری مدیرحراست شد مدیر بعدی که از کار بر کنار شد محمد حسین زعفری مدیر جامع تولید بودند که از کار بر کنار شدند او یکی از مدیران موفق ایران خودرو بود مدیر بعدی مهندس جلالی معاونت کیفیت بودند که به علت عدم پذیرش ساختار انحلال کنترل کیفیت از کار بر کنار شدند مدیر بعدی مدیر روابط عمومی محمد حسین غضنفری بودند که از پست خود کنار رفتند مدیر بعدی منوچهر مردانی مدیر اتاق رنگ بودند از کار بر کنار شدند و مدیران دیگر نیز مثل دکتر علوی مدیر امور پدر مهندس صباغ پور مدیر مونتاز مهندس

شهشهبانی مدیر بدنه مهندس بهاردوست مدیر انرژی و دهها مدیر دیگر که هستند که نوشتن اسامی آنها در اینجا نمی گنجد و هها مدیر دیگر نیز هستند که ایران خودرو را به خاطر ساستهای غلط مدیریت ترک کردند.و احتمال می رود مدیران باقی مانده از نسل منطقی نیز بزودی از کار بر کنار خواهند شد تا عارف نوروزی که دست نشانده احمدی نژاد در ایران خودرو محسوب می شود با آوردن نفرات خودش راه را برای اعمال سیاستهای خود که کوچک سازی و کاهش نیرواست شرکت ایران خودرو را برای واگذاری به بخش خصوصی سازی آماده کند.

\*\*\*\*\*

### چند گزارش از مراسم اول ماه مه

مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه شیرودی امروز بنا به اعلام قبلی جمعی از کارگران در برابر خانه ی کارگر تهران واقع در خیابان مفتح حضور پیدا کردند تا به سمت ورزشگاه شیرودی حرکت کرده وبه جمع کارگران از شهرستان به تهران آمده ی حاضر در ورزشگاه پیوندند . کارگران سرانجام در حدود ساعت ۸:۴۵ با اتوبوس و همینطور پیاده حرکت خود را آغاز کردند .

کارگران در فضای باز ورودی ورزشگاه شیرودی جمع شدند و اعضای خانه ی کارگر با در اختیار گرفتن تریبون به بیان سخنان سازشکارانه ی خود پرداختند حرف هایی که دست کمی از عجز و لایه از حکومت سرمایه برای کمی افزایش حقوق نداشت .

اما باید گفت که مراسم در واقع از ساعت ۹:۱۵ با حضور اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری آغاز شد . اعضای سندیکا با در دست داشتن پلاکاردها و پارچه نویس ها و سر دادن شعار های

"سندیکای مستقل حق مسلم ماست"

"سندیکای مستقل احیا باید گردد"

"تشکل اعتصاب حق مسلم ماست"

وارد ورزشگاه شدند و خیل عظیمی از کارگران حاضر در مراسم به صفوف سندیکا و شورای همکاری پیوستند . سپس جمعیت به سمت تریبون حرکت کرد و با شعار "سندیکا سخنان سندیکا سخنان" و "اسالو سخنان اسالو سخنان" خواستار حضور نمایندگان واقعی طبقه ی کارگر در



پشت تریبون شدند. ولی سخنران مراسم توجیهی به خواسته‌ی کارگران نکرد. سپس یکی از کارگران ایران خودرو دیزل پشت تریبون قرار گرفت و سخنانی درباره‌ی مستضعف بودن کارگر و این که کارگر با عرق جبین خود امرار معاش می‌کند ایراد کرد که سخنان وی مورد استقبال اکثر حاضرین قرار گرفت.

سخنران بعدی محبوب دبیر کل خانه‌ی کارگر بود. به محض بالا رفتن محبوب صدای "هو"ی فضا را پر کرد و محبوب کار دیگری جز تحویل خنده‌های بلاهت بار نمی‌توانست انجام دهد. کارگران در حین سخنرانی وی در یک حرکت نمادین به وی پشت کردند و بار دیگر خواستار حضور نماینده‌ی واقعی طبقه‌ی کارگر برای ایراد سخنرانی شدند. در این میان فریاد های "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و "محمود صالحی آزاد باید گردد" مانع از رسیدن سخنرانی دبیر کل خانه‌ی "ضد" کارگر شد.

شعار های کارگران شرکت واحد شورای همکاری و دانشجویان حاضر در مراسم موجب گردید که توده‌ی کارگران حاضر در مراسم به طور خود جوش این شعار ها را فریاد بزنند. حتی بلند گو های دستی بعضی از اعضای خانه‌ی کارگر شهرستان ها شعار های رادیکال را تکرار می کردند و در ادامه‌ی مراسم این توده‌ی کارگران بودند که کنترل مراسم را در اختیار خود گرفتند.

کارگران در حدود ساعت ۱۰:۳۰ با شعارهای "کارگر دانشجو اتحاد اتحاد" و "کارگر معلم اتحاد اتحاد" و همین طور تکرار شعار های قبلی از ورزشگاه خارج شدند و به سمت میدان هفت تیر راهپیمایی کردند. حضور پلیس در خیابان به طرز کم سابقه‌ای زیاد بود. جمعیت کارگران در حدی بود که به طور کامل خیابان مفتوح مسدود شده بود و سرنشینان ماشین ها و اتوبوس هایی که به سختی از خیابان رد می شدند با کنجکاوای جمعیت را نگاه می کردند و با موبایل خود عکس و فیلم می گرفتند. در بالای پل عابر پیاده‌ی نزدیک ورزشگاه تعداد زیادی از مردم جمع شده بودند و تظاهرات کارگران را نگاه می کردند. بر روی همین پل پارچه نوشته‌ی بزرگی که بر روی آن نوشته شده بود "کارگر زندانی محمود صالحی آزاد باید گردد" به چشم می خورد.

کارگران در صفوف فشرده‌ی خود به سمت هفت تیر حرکت می کردند و شعار می دادند. پلیس در چند نوبت اقدام به بازداشت کارگران کرد که با واکنش قاطع کارگران مواجه شد و

سرانجام این تجمع بعد از گذشت ۲ ساعت به پایان رسید. قابل توجه است که از سوی پلیس هیچ گونه برخوردی صورت نگرفت. + نوشته شده در سه شنبه یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت ۲۲:۵۸ توسط کارگر

## گزارش مراسم اول ماه مه در تهران

### ارسالی برای نشریه دانشجویی بندر - شماره (۲)

تظاهرات اول ماه مه امسال بسیار خوب و تعرضی بود.

خانه کارگر امسال سعی کرد برای کنترل بیشتر شرکت کنندگان حتی الامکان خبر اینکه مراسم در کجا برگزار می شود را مخفی نگهدارد. تا ساعت ۶ صبح امروز که آماده رفتن شده بودم همه فکر می کردند که مراسم در مقابل خانه کارگر برگزار می شود. شب قبل هم خبر آمده بود که جلوی وزارت کار و بعدش گفتند خانه کارگر. صبح زود از طریق دوستی خبردار شدم که مراسم در ورزشگاه شیرودی (امجدیه سابق) در نزدیکی میدان ۷ تیر است. همه خبر را به سرعت بهم رساندند. رفتم بطرف امجدیه. بخاطر همین بی اطلاعی موقعی که رسیدم ساعت نه و نیم شده بود و مراسم درون ورزشگاه تمام شده بود. اما هنوز کارگران کارخانجات مختلف با پرچمها و شعارهایشان عازم ورزشگاه بودند در حالیکه جمعیت داشت از ورزشگاه خارج می شد. همانجا با چند کارگر پیر و جوان از کارخانه مینو صحبت کردم. آنها بروی پرچمشان نوشته بودند "بازسازی کارخانه مینو حق مسلم ماست". آنها

گفتند که رئیس کارخانه آنجا را بسته سرمایه ها را برده در گرجستان سرمایه گذاری کرده و یک شبه ۱۵۰ تایی آنها بیکار شده اند. پوستری نیز در آنجا دیده میشد با این شعار: "امریکا حیا کن، عراق را رها کن". با برخی کارگران زن که از ورزشگاه بیرون آمدند و خیلی هاشون هم با چادر بودند صحبت کردم. از آنها پرسیدم اون تو چه خبر بود؟ گفتند: هیچی. مثل هر سال یک همایشی که جز وعده هیچی نمی دهند. گفتم من نرسیدم پیام تو. گفتند: خوش بحالت چیزی از دست ندادی. از یک کارگر پیر که پلاکاردی در دستش بود با این شعار: رزمنده دیروزیم، بیچاره امروزیم سوال کردم که شما می دانستید مراسم در اینجاست؟ گفت نه. هر سال در کارخانه بیانیه می دادند که کجا باید بریم. اما امسال تا صبح که به اینجا رسیدیم نمی دانستیم داریم کجا می رویم.

خیابان پر بود از اتوبوس هایی که از مناطق کارگری آمده بودند با پرچمهای کارخانه شان. اسلامشهر. مناطق مختلف کرج، قزوین، یزد، کاشان و ... تعداد بسیار زیادی کارگران زن حضور داشتند.

ادامه در صفحه ۳

توانست کاری انجام دهد البته شاهدان عینی خبر از بازداشت چند نفر از کارگران - که زنان هم در میان آنان بوده اند - می دهند. با هر چه نزدیک تر شدن جمعیت به سمت میدان برخورد پلیس نیز شدت می گرفت. به این صورت که تعداد زیادی سرباز به یک باره با باتوم به سمت صف تظاهرات حمله می کردند و در صف فاصله می انداختند. با این وجود کارگران فریاد زنان به میدان هفت تیر رسیدند. با حضور جمعیت در میدان پلیس در های مترو را بست تا راحت تر بتواند جمعیت را سرکوب کند. سرانجام مدتی بعد از حضور در میدان و سر دادن شعار های پراکنده کم کم جمعیت پراکنده شدند.

بنا به خبر های رسیده نیرو های انتظامی و امنیتی در ایستگاه متروی هفت تیر قصد بازداشت منصور اسالو را داشتند اما این مسئله با مقاومت وی و همراهانش مواجه شد و این نیرو ها به دلیل نداشتن حکم رسمی نتوانستند اسالو را بازداشت کنند.

این تظاهرات نمونه‌ی بسیار موفقی در اتحاد میان فعالین کارگری با گرایشات مختلف و پیوند خوردن آن ها با بدنه‌ی کارگری بود.

برگزاری شکوهمند روز جهانی کارگر در تهران را بر تمامی کارگران تبریک می گویم.

### مراسم سندیکا به مناسبت اول ماه مه با دخالت نیرو های امنیتی مواجه شد

بنا بر قرار قبلی بنا بود که اعضای هیئت مدیره‌ی سندیکاهای کارگری و سندیکای کارگران شرکت واحد مراسمی را به مناسبت اول ماه مه در سالی در مرکز شهر تهران با حضور مردم و دیگر فعالین کارگری برگزار کنند. اما این مراسم با تهدید نیرو های امنیتی برگزار نشد و در سالن بر روی ۸۰ تا ۱۰۰ نفر از فعالین کارگری حاضر در مراسم بسته شد.

با این وجود اعضای سندیکا و فعالین کارگری در برابر مکان از قبل تعیین شده تجمع کردند. در ادامه حلقه های چند نفره تشکیل شد و فعالین پیرامون مسائل روز کارگری به خصوص تجمع صبح کارگران در ورزشگاه شیرودی با یکدیگر به تبادل نظر پرداختند.

در این میان اعضای سندیکا و دیگر تشکل های کارگری به پخش اعلامیه ها و اخبار کارگری بین مردم پرداختند. حضور کارگران در این مکان موجب کنجکاوای مردم شده بود و آن ها راجع به مسائل مختلف کارگری سوال های خود را مطرح می کردند و حتی در جمع های چند نفره شرکت می کردند.

## اتحاد چپ کارگری با همکاری مرکز آموزش کارگری گوتنبرگ A. B.F برگزار می کند!

ششم (۶) مه ۲۰۰۲ سیمینار چندزبانه با عنوان:

چرایی تهاجم به حقوق کارگران ایران، تحریم شورای امنیت، حمله احتمالی آمریکا، اوضاع منطقه و بحران ایران، چه می توان کرد؟

به همه شما برابری طلبان و جانبداران آزادی و مبارزات کارگران ایران و جهان، در دفاع از آزادی بی قید و شرط محمود صالحی، محکومیت احکام صادره برای فعالان کارگری سقز، آزادی زنان، دانشجویان و معلمان زندانی، شما را به شرکت موثر در این سیمینار دعوت می نمایم

سخنرانان:

دیوید میفلر استاد دانشگاه و فعال کارزار ضد جنگ و ضد جمهوری اسلامی  
پیرامون:  
کار در ایران خودرو، استعمار و مبارزه، به زبان انگلیسی

لارش هنریکسون عضو حزب سوسیالیست سوئد و فعال اتحادیه

پیرامون:  
تأثیر جابجایی قدرت در جامعه رفاه و نقش اتحادیه های کارگری در سوئد، به زبان سوئدی

اجراء یک قطعه نمایشی در مورد اول ماه مه، گروه تاتری ایده گوتنبرگ

یداله شیشوانی از: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

پیرامون: «ایران از درون و بیرون، در میان جنگ، ترس و مقاومت» چه باید کرد؟

محمد رضا شالگونی از: سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پیرامون: سهم تجدید آرایش جنبش چپ و کارگری در پاسخ به بحران کنونی جامعه ایران!

ورود برای عموم آزاد است، مقدم شما را گرامی می داریم.

زمان: یکشنبه ۶ مه ۲۰۰۲ ساعات ۱۵ تا ۱۹

مکان: فولکت هوس یرن توریت

### کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست  
+۶۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

شورای مرکزی

[centralconcil@fedayi.org](mailto:centralconcil@fedayi.org)

نشریه کار کمونیستی

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)